اشتغال زنان در جامعه (1)

مسعود آذربايجانى

اين مقاله از دفتر مطالعات و تحقيقات زنان اخذ شده است.

سنت‏هاى ريشه دار اجتماعى و دينى، زنان را به سوى حفظ اركان خانواده دعوت مى‏كند، اما هنجارهاى دنياى متجدد - از ديگر سو - آنان را به حضور هر چه بيشتر در جامعه و همكارى فعال در مراكز اشتغال فرا مى‏خواند. حال چگونه مى‏توان اين دو را با هم جمع كرد؟ در صورت به خطر افتادن يكى، اولويت با حفظ كدام است؟ و بالاخره در مهندسى جامعه و در سياست گذارى‏هاى كلان و خُرد، براى تعيين نقش زنان و مردان، نقشه صحيح كدام است؟ اشتغال بانوان يا عدم اشتغال آنان، كدام يك در اولويت قرار دارد؟

موضوع اصلى اين نوشتار، «زنانِ داراى همسر و در مجموعه خانواده» است و مقصود از اشتغال نيز هر گونه شغل و حرفه اقتصادى است كه منشأ درآمد باشد. «جامعه» نيز در اين جستار، گستره وسيعى دارد كه شامل بازار، كارخانه‏ها، مراكز ادارى و خدماتى و... و حتى خانه و كارهاى خانگى مى‏شود.

مفروضات اساسى زير به وضوح از ديدگاه اسلام قابل استخراج هستند و در اين مجموعه، به عنوان اصول موضوعه پذيرفته شده‏اند:

الف) تساوى زن و مرد در اصل آفرينش و گوهر اصلى انسانيت (روح)

«يا ايّها الناس اتّقُوا رَبكم الّذى خَلَقكم مِن نَّفسٍ واحدةٍ و خَلَق مِنها زَوجها و بَثَّ منهُما رِجالاً كَثيراً و نساءً»1

اى مردم! از پروردگارتان كه شما را از نفس (گوهر) واحدى آفريد و جفتش را نيز از آن خلق نمود و از آن دو مردان و زنان بسيارى پراكنده كرد، پروا داريد.

ب) تساوى در وصول به بالاترين مراتب كمال و معنويت

«مَنْ عَمِلَ صالحاً مِن ذَكَرٍ اَوْ أُنثى‏ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّه حيوةً طيبةً»2

هر مرد يا زن مؤمنى كه عمل شايسته انجام دهد، قطعاً او را با زندگى پاكيزه‏اى، حيات (حقيقى) بخشيم.

ج) مشاركت زنان و مردان در مسؤوليت اجتماعى

پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) فرمودند: آگاه باشيد كه همگى شما چون چوپان و همگى در برابر هم مسؤوليد.3

«و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر»3

د) استقلال اقتصادى زنان و مردان‏

«لِلرِّجال نَصيبٌ مِمّا اكتَسَبوا و لِلنّساءِ نَصيبٌ ممّا اكتَسَبنَ»5

براى مردان از آن چه كسب كرده‏اند، بهره‏اى است و براى زنان نيز از آن چه كسب كرده‏اند، بهره‏اى است.

اصول ديگرى نيز از جمله حاكميت معنويت و قرب خدا در ارزش‏گذارى‏ها، اهميت خانواده در تعالى و تربيت انسان‏ها و... را مى‏توان در نظر گرفت كه در صورت نياز به آن‏ها اشاره مى‏كنيم.

پس از پذيرش اصول فوق، مدعاى اصلى مقاله، اولويت حضور جدّى زنان در اداره امور داخلى خانواده است و اشتغال به طور كلى و به ويژه در خارج از خانه، مرتبه ثانوى دارد و پس از فراغت از مسؤوليت اوليه، مطلوبيت مى‏يابد. از جمله ادله ما در اين استنتاج، عبارتند از:

1. تحليل ساختارى خانواده و توجه به تفاوت نقش‏ها

ساخت خانواده، مجموعه نامرئى انتظارات عملكردى است كه شيوه‏هاى مراوده يا ميان كنش‏هاى اعضاى خانواده را سامان مى‏دهد. خانواده سيستمى است كه عملكرد آن از طريق الگوهاى مراوده‏اى صورت مى‏گيرد. مراودت يا ميان كنش‏هاى تكرارى، الگوهايى به وجود مى‏آورند، مبنى بر اين كه چطور، چه وقت و با چه كسى رابطه برقرار مى‏شود و همين الگوها زير بناى سيستم را نيز تشكيل مى‏دهند. الگوهاى مراوده‏اى، رفتار اعضاى خانواده را منظم مى‏كند. دو سيستم مقيد كننده، باعث تداوم اين الگوهاست. اوّلى همگانى و مستلزم قواعد جهانى است كه بر سازمان خانواده حكومت مى‏كند؛ مانند سلسله مراتب قدرت كه بايد وجود داشته باشد و در آن، والدين و فرزندان از سطوح متفاوت اقتدار برخوردار باشند. هم چنين بايد نقش‏هاى مكمل وجود داشته باشد؛ زن و شوهرى كه اتكاى متقابل را پذيرفته و به صورت يك تيم عمل مى‏كنند. دومين سيستم مقيد كننده خاص و مستلزم انتظارات متقابل اعضاى هر خانواده از يكديگر است.

سيستم خانواده، وظايف خود را از طريق زير منظومه‏هاى خود متمايز و اجرا مى‏كند. اعضا، زير منظومه‏هاى خانواده را تشكيل مى‏دهند. جفت‏هايى از قبيل زن و شوهر، يا مادر و فرزند مى‏توانند زير منظومه باشند. زير منظومه زن و شوهرى، متشكل از دو بزرگسال با جنسيت‏هاى مخالف است كه با هدف تشكيل خانواده به هم ملحق شده‏اند. زير منظومه زن و شوهرى داراى تكاليف يا نقش‏هايى است كه براى عملكرد خانواده حياتى است. مهارت‏هاى اصلى لازم براى به ثمر رسيدن تكاليف اين زير منظومه، عبارت از «مكمليت» و «برون سازى متقابل» است؛ يعنى زن و شوهر بايد الگوهايى به وجود آورند كه در آن، هر كدام عملكرد ديگرى را در بسيارى زمينه‏ها حمايت و تكميل كند. هم زن و هم شوهر، بايد بخشى از مجزا بودن خود را براى كسب تعلق از دست بدهد. پافشارى زن و شوهر در حفظ حقوق مستقل خود، ممكن است زير بار «به هم وابستگى» رفتن را در يك رابطه قرينه مختل كند.6

سالوادور مينوچين،7 روانشناس آمريكايى و متخصص خانواده درمانى، با تحليل ساختارى فوق از خانواده معتقد است: تداوم به هنجار يك خانواده در گرو انجام تكاليف مكمل از سوى هر يك از زن و شوهر است، و الا استرس‏هاى ناشى از عدم توجه به نقش‏ها، منشأ اختلال در خانواده مى‏شود. بنابراين يكى از مبانى استنتاج‏ها در نهايت، توجه به اين موضوع است كه خانواده منظومه واحدى است و هر يك از اعضاى خانواده (در اين جا منظور زن و شوهر است)، داراى تكاليف و نقش‏هاى ويژه است. با توجه به كاركردهاى موجود در خانواده و تكاليفى كه در بين هست - مانند رفتار جنسى و توليد مثل، حمايت و مراقبت، جامعه پذيرى، عاطفه و همراهى، كاركردهاى اقتصادى، تربيت و... - برخى از آن‏ها منوط به مشاركت طرفينى است، و برخى از آن‏ها با نوعى تقسيم كار در انجام وظايف نيز ممكن است، مانند تربيت و كاركرد اقتصادى.

مك مستر 8 نيز مدل خود را براى خانواده مطلوب ارائه مى‏دهد و معتقد است: كاركردهاى ضرورى خانواده، نقش‏هايى است كه بايد براى كاركرد سالمتر خانواده انجام گيرند. نقش‏ها در قالب رفتارهاى توصيه شده و تكرارى موجود در مجموعه‏اى از فعاليت‏هاى دو جانبه با ساير اعضاى خانواده تعريف شده‏اند. انجام وظيفه نيازمند اين است كه تخصيص نقش متناسبى وجود داشته باشد و اعضاى خانواده فعاليت‏هاى خواسته شده را بر اساس تخصيص نقش انجام دهند.

نقش‏ها بايد تخصيص يابند، توافق صورت گيرد و به عمل در آيند؛ هم چنين بايد با يكديگر يكپارچه گردند. كاركردهاى ضرورى شامل تأمين امور مادى، تغذيه، حمايت اعضاى خانواده، ايجاد مهارت‏هاى زندگى و حفظ و كنترل سيستم خانواده مى‏شود.9

2. تفاوت‏هاى تكوينى زن و مرد

حلقه دوم از استنتاج در اين مجموعه، بر پايه وجود تعدادى از تفاوت‏هاى روانى و جسمانى است. اين تفاوت‏ها عبارتند از:

الف) تفاوت‏هاى زيستى: از نظر بيولوژيك (ساختار بدن) و فيزيولوژيك (كاركرد اعضا)، تفاوت‏هاى زير بين زن و مرد وجود دارد:

1- دستگاه توليد مثل: تمايز دستگاه تناسلى زن و مرد، خاستگاه تفاوت‏هاى بسيارى است. همين امر، منشأ برخى تفاوت‏هاى زيستى و روانى ديگر هم مى‏شود.

2- هورمون‏ها: تفاوت هورمون‏هاى زنانه (استروژن) و مردانه (تستوسترون) كه از غدد درون ريز ترشح مى‏شود و در سراسر بدن انتشار مى‏يابد، موجب اختلاف اندام‏هاى زن و مرد مى‏گردد. از جمله تستوسترون، اثر سازنده پر قدرتى در توليد پروتئين در سراسر بدن دارد؛ رشد بافت‏هاى عضلانى را تحريك مى‏كند و بر قدرت بدنى مرد مى‏افزايد. توده عضلانى مرد، به طور متوسط، پنجاه درصد بيشتر از بدن زن است. نيز تستوسترون از عوامل رسوب كلسيم در استخوان‏هاست، و بر اندازه و استحكام آن‏ها مى‏افزايد. از اين رو، مرد براى انجام كارهاى سنگين توانايى بيشترى مى‏يابد.10 تستوسترون حالات تهاجمى، رقابتى و پرخاشگرى را بر مى‏انگيزاند.11 سختى بافت زير جلدى و پوست سراسر بدن مرد ضخيم‏تر است.12 تستوسترون در اعتماد به نفس و تمركز فكر اثر دارد؛ از خستگى مى‏كاهد و ادامه فعاليت‏ها و اجراى كارها را آسان مى‏كند.13

در مقابل، ترشح هورمون استروژن در زنان، از رشد زياد استخوان‏ها جلوگيرى مى‏كند. از اين رو، به طور نسبى، قد زن كوتاه‏تر از مرد است و كاهش ترشح آن عامل پوكى استخوان است، و تحرك و نرمى مفاصل و انعطاف پذيرى بيشتر بدن زنان را مى‏توان ناشى از آن دانست.14 از عوامل اصلى تغيير حالات زنان، نوسان سطح استروژن در خون آن‏هاست كه در رفتار زن اثر مى‏گذارد. وقتى ترشح استروژن تنزل مى‏يابد، زن بى‏تاب مى‏شود و آرامش روانى‏اش به هم مى‏خورد.15

3- مغز و اعصاب: از آن جا كه كروموزوم‏ها در زن و مرد متفاوت است و سلول‏هاى مغز زن داراى كروموزم XX و سلول‏هاى مغز مرد داراى كروموزم XY است، مغز مرد، مردانه و مغز زن، زنانه است.16 به طور متوسط، وزن مغز زن 110 كمتر از وزن مرد است.17تمايز غده هيپوتالاموس در زنان و مردان، با توجه به ارتباط آن‏ها با سيستم عصبى مركزى، به نوعى تفاوت در مغز زن و مرد مى‏انجامد.18

در مورد نيم كره‏هاى مغز در پسران، يك طرفه شدن كارهاى فضايى (تجسم فضايى) در شش سالگى پديد مى‏آيد، ولى در دختران اين كنش‏ها تا سيزده سالگى در هر دو نيم‏كره رشد يكسان دارد. اختلالات زبانى ناشى از آسيب ديدن نيم‏كره چپ در مردها شديدتر است و در مجموع، مغز زن از نظر كنش با قرينه تراز مغز مرد است و براى پردازش‏هاى كلامى آمادگى بيشترى دارد.19

در مورد تفاوت‏هاى زيستى ديگر نيز نكاتى قابل توجه است: عضلات يك مرد بالغ، چهل درصد بيش از زن هم سن اوست و قدرت بدنى يك پسر هجده ساله، به طور متوسط، دو برابر نيروى يك دختر هجده ساله است و از اين رو، مردان در توانايى‏هاى بدنى و جسمى از زنان ماهرترند.20 حس بينايى مردان از زنان بهتر است، و برخى گزارش‏ها از حساس‏تر بودن حس شنوايى زنان نسبت به مردان حكايت دارد. در حس لامسه، پوست زن از مرد لطيف‏تر و نسبت به درد و تحمل فشار حساس‏تر است، و زنان در كارهاى دستى چابك‏ترند.21

بنابراين در بخش تفاوت‏هاى زيستى، آمادگى بيشتر مردان براى كارهاى سنگين ترديدناپذير است؛ به ويژه آن كه اين بخش از تفاوت‏ها، قابل تقليل به يادگيرى، فرهنگ، تربيت و انتظارات نيست.

ادامه دارد...

پى‏نوشت‏ها:

1- نساء/ 1 و ر.ك: زمر/ 6، اعراف/ 189.

2- نحل/ 97 و ر.ك: نساء/ 124، غافر/ 72.

3- ميزان الحكمه، ج 4، ص 327.

4- توبه/ 71.

5- نساء/ 32 و ر.ك: الميزان، ج 4، ص 338 و 337.

6- ر.ك: مينوچين، خانواده و خانواده درمانى، ص 87-81.

7. minuchin,s.

8. .mcmaster.

9- فيليپ باركر، خانواده درمانى پايه، ص 100.

10- فيزيولوژى پزشكى، ج 2، ص 1587 و غدد درون ريز، ص 528.

11- تفاوت‏هاى فردى، ص 148.

12- زمينه زيست شناختى روان‏شناسى، ص 393.

13- آيا به راستى مردان از زنان برترند، ص 135.

14- غدد درون ريز، ص 132، 38 و 537.

15- ژانت، روانشناسى زنان، ص 32 و 131.

16- همان، ص 187.

17- فيزيولوژى اعصاب و غدد درون ريز، ص 319.

18- سيامك رحيمى، روان شناسى زنان، ص 334.

19- روان‏شناسى رشد بزرگسالان، ص 251.

20- سيامك رحيمى، همان، ص 134.

21- ژانت، همان، ص 11 و 110.